

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

درس دوم، جهان ممکنات:

- * روزگاری انسان تصور می کرد جهان طبیعت از یک کهکشان راه شیری تشکیل شده است.
- * تصاویر تلسکوپ فضایی هابل در اواسط دهه ۱۹۹۰ نشان داد که تعداد کهکشان ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد است.
- * اکنون اختر شناسان نشان داده اند که تعداد کهکشان های جهان طبیعت باید ۲۰۰۰ میلیارد باشد.
- * می توان گفت ممکن است تعداد کهکشان های جهان طبیعت ده یا صد یا هزاران برابر یافته های امروزی باشد.
- * اگر از موجودات ماکروسکوپی به سوی موجودات میکروسکوپی سیر کنیم می توان تخمین زد که تعداد عناصر و نیروهای جهان طبیعت خیلی زیاد و گسترده خواهد بود.
- * روزگاری دانشمندان تصورات محدود تری از جهان طبیعت داشتند.
- * علی رغم پیشرفت های چشمگیر علمی، بسیاری از مسئله های فیلسوفان همچنان ثابت مانده است.
- * موضوع درس درباره این سوال است که «آیا موجودات این جهان چه متناهی و چه نامتناهی می توانسته اند نباشند؟»
- * معنای این پرسش که «آیا موجودات این جهان چه متناهی و چه نامتناهی می توانسته اند نباشند؟» این است که آیا موجودات این جهان «ممکن» یا «ضروری و واجب» هستند.
- * (نسبت های سه گانه در قضایا)
- میان موضوع و محمول سه گونه رابطه می تواند برقرار باشد: وجوبی ، امکانی و امتناعی
- * رابطه بعضی محمول ها با موضوع خود «ضروری» است، مانند: «مثلث شکل سه ضلعی است.»
- * رابطه بعضی محمول ها با موضوع خود «امکانی» است، مانند: «دیوار خانه ما سفید است.»
- * رابطه بعضی محمول ها با موضوع خود «امتناعی» است، مانند: «عدد هشت فرد است.»
- * در رابطه وجوبی، محمول باید بر موضوع خود حمل شود و رابطه آن با موضوع خود، ضروری و وجوبی است، یعنی موضوع باید این محمول را بپذیرد.

*در رابطه امکانی، محمول می تواند بر موضوع خود حمل شود و یا حمل نشود و رابطه آن با موضوع خود، امکانی است. یعنی موضوع می تواند این محمول را بپذیرد یا نپذیرد.

* در رابطه امتناعی، محمول نمی تواند بر موضوع خود حمل شود و رابطه آن با موضوع خود، ممتنع، محال و غیر ممکن است، یعنی موضوع نمی تواند این محمول را بپذیرد.

«وجود» به عنوان یک محمول با موضوع هایش یا :

* در قضیه «خدا هست» ، رابطه محمول وجود با موضوع خود، ضروری و وجوبی است. (واجب الوجود بالذات)

* در قضیه «انسان هست» ، رابطه محمول وجود با موضوع خود، امکانی است. (ممکن الوجود بالذات)

*در قضیه «شریک خدا هست»، رابطه محمول وجود با موضوع خود، امتناعی است یعنی نمی تواند باشد.

(ممتنع الوجود)

* چرا در عین این که بعضی از موضوعات فقط امکان وجود دارند ، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده اند؟

* به نظر فارابی و ابن سینا این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند و با وجود رابطه امکانی دارند و همین رابطه به آن ها اجازه می دهد که اگر علت وجود آن ها فراهم شود، موجود شوند.

* وقتی می گوئیم رابطه ماهیت انسان با وجود یک رابطه امکانی است، منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد.

* ذات انسان به گونه ای نیست که حتما باشد و به گونه ای نیست که حتما نباشد. (ممکن الوجود بالذات)

* حالت ممکن الوجود بالذات را می توان به یک ترازو تشبیه کرد که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند.

* دو کفه ترازو که در حالت تعادل هستند، هیچ کدام خود بخود سنگین نمی شوند، بلکه به یک عامل خارجی نیازدارند.

* عقلا محال است که خود بخود یک کفه بر کفه دیگر سنگینی یابد.

* با بودن علت وجود برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می شود و موجود می شود.

*در حال حاضر همه اشئی که موجود شده اند، واجب الوجود هستند؛ زیرا اگر وجودشان ضروری نشده بود، وجود پیدا نمی کردند.

* اشیاء چون ذاتاً واجب الوجود نیستند، و به واسطه علت هایی خارج از ماهیتشان واجب الوجود شده اند، واجب الوجود بالغیر هستند.

* همه ماهیاتی که وجود دارند، واجب الوجود بالغیر هستند.

پاسخ فعالیت های درس دوم:

انجام فعالیت «تمرین» صفحه ۱۰:

الف) ۱- واجب (ضروری) ۲- ممکن است و ضروری برای هر مثلی نیست . ۳- ممتنع

ب) هر نمونه صحیح که توسط دبیر بررسی شده باشد.

تعیین رابطه صفحه ۱۱:

مربع پنج ضلعی	انرژی	پرنده	روح	دریایی از حیوه	فرشتگان	خداوند	دیو	سیاه سفید	سوختن	مهربانی	خاک
امتناع	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	ضرورت	امکان	امتناع	امکان	امکان	امکان

انجام فعالیت «تفکر» صفحه ۱۲:

۱- خیر، زیرا اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی منفک و جدا شود و نتواند با آن جمع شود و در عین حال بخواهد با آن جمع شود، اجتماع نقیضین پیش خواهد آمد که امری محال است.

۲- خیر، زیرا اگر رابطه وجود با چیزی ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک و جدا کرد، بدین معناست آن چیز همواره موجود است و در هیچ زمانی وجود از او جدا نمی شود.

۳- الف) واجب الوجود ب) ممکن الوجود ج) ممتنع الوجود

انجام فعالیت « به کار ببندیم» صفحه ۱۲:

۱- مثلث سه ضلعی است. (ضروری، وجوب) یا مثلث چهار ضلعی است. (امتناعی)

جهان نابود می شود. (متناعی) (کسی که به خدا اعتقاد دارد، می داند که جهان تغییر می کند ، اما نابود نمی شود ، همچنین اگر نابود شدن به معنی معدوم شدن و نیست شدن باشد، جهان چون عین بودن است به نبودن و نیست شدن تبدیل نمی شود.)

پیراهن حسن آبی است. (امکانی)

عدد سه زوج است. (امتناعی)

عدد سه زوج نیست. (ضروری)

مربع چهار ضلعی است. (ضروری)

مربع سه ضلعی است. (امتناعی)

۲- هر موجودی، وجود برایش ضروری است و الا موجود نبود، حال یا ضرورت بالذات یا ضرورت بالغیر. اما اگر نگاه به ذات و ماهیت موجود کنیم، موجودات عالم را می توان به دو دسته ممکن بالذات و واجب بالذات تقسیم کنیم البته این ممکن بالذات، چون اکنون موجود است، واجب بالغیر شده است. پس موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم می کنیم. اما همین موجودات را از نظر ذاتشان، به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم می نماییم.

۳- هر سه حالت می تواند صحیح باشد، زیرا اگر چیزی را در ذهن خودمان بیاوریم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، می تواند بدان جهت باشد که ذاتا ممتنع الوجود است، مانند شریک خداوند. همچنین می تواند بدان جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و موجود نماید.